

در امتداد تاریکی

طناب مرگ!

اگر از همان ابتدا که به رفتارهای برادرم مشکوک شدم بلافاصله او را نزد روان پزشک می‌بردم یا حداقل به مراکز مشاوره مراجعه می‌کردم شاید امروز لباس سیاه به تن نداشتم و با چنین فاجعه‌ای روبه‌رو نمی‌شدم...

به گزارش روزنامه خراسان، این‌ها بخشی از اظهارات دختر ۲۴ ساله‌ای است که در سوگ برادرش به شدت اشک می‌ریخت. او که به همراه پدر و مادرش و برای انجام امور اداری مرگ برادرش به کلانتری معراج مشهد آمده بود، در حالی که گویی عذاب وجدان آزارش می‌داد درباره ماجرای مرگ تلخ برادرش به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری گفت: برادرم ۲ سال از من کوچک‌تر بود و با هیچ‌کس از افراد خانواده مانند من رابطه نزدیکی نداشت. او نه تنها برادرم بود بلکه همانند یک دوست واقعی با من درددل می‌کرد و من هم سنگ‌صورش بودم. بآن‌که اصرار داشتم برادرم مانند من وارد دانشگاه شود و به تحصیلات عالی‌ه فکر کند و لی او علاقه‌ای به درس و مدرسه نداشت به طوری که حتی نتوانست دیپلم بگیرد و در آخرین سال دبیرستان ترک تحصیل کرد تا زودتر وارد بازار کار شود. برادرم خیلی زود عازم سربازی شد و من هم به تحصیل در رشته مهندسی ادامه دادم.

او از هوش سرشاری برخوردار بود به همین دلیل هم در همان دوران سربازی، آرایشگری را آموخت و بعد از پایان خدمت سربازی، به‌طور قانونی جواز کسب گرفت و در منطقه قاسم آباد مشهد مشغول آرایشگری شد. او در آمد خوبی داشت و سرگرم کارش بود.

به همین دلیل هم ما کمتر به او توجه داشتیم. برادرم اعتماد به نفس پایینی داشت و از مدتی قبل من علایم افسردگی را در چهره اش مشاهده کردم. او دیگر جوان سر حال و پر شور و شر قبلی نبود. در خودش فرومی‌رفت و گاهی بیخودی گریه می‌کرد. مدام از «مرگ» سخن می‌گفت و این که دیگر دوست ندارد در این دنیا زندگی کند اما من حرف‌های او را جدی نمی‌گرفتم. بآن‌که رابطه بسیار نزدیکی با هم داشتیم و رفتارهای برادرم بسیار عجیب شده بود ولی من هیچ‌گاه احتمال نمی‌دادم که او با مشکل حادی در زندگی دست و پنجه نرم می‌کند.

بالاخره روزی از حرف‌های تکان دهنده اش ترسیدم و پس از مشورت با برخی از کارشناسان تازه فهمیدم که برادرم دچار افسردگی حاد شده است خیلی تلاش کردم تا او را نزد مشاور یاروان پزشک ببرم اما برادرم موافقت نمی‌کرد و از من دلخور می‌شد که به او اهمیت «روانی» زده‌ام. این بود که وقتی از یک ماه گذشته متوجه شدم افسردگی او شدت گرفته است به ناچار برایش وقت مشاوره گرفتم بار اول به بهانه ای از حضور در مطب روان پزشک سر باز زد و من با دیدن حالت‌ها و رفتارهای غیرطبیعی برادرم خیلی ترسیدم و دوباره برایش «نوبت» گرفتم اما قبل از آن که نزد روان‌پزشک برویم هفته گذشته او صبح به بهانه کار در آرایشگری از خانه خارج شد و ظهر هم به خانه بازنگشت. بسیار نگران شده بودیم که من با او تماس گرفتم و خیال‌م راحت شد اما او این بار نیمه شب به خانه آمد و به داخل اتاق خودش رفت. او اهل هیچ‌خلافی نبود و تا به حال حتی سیگار هم استعمال نکرده بود ولی صبح وقتی از خواب بیدار شدم، برادرم برای صرف صبحانه نیامد. هنگامی که پدرم در اتاق او بازگردناگهان با صحنه دلخراشی روبه‌رو شد. برادرم با یک شمشیر طناب خود را از سقف منزل آویزان کرده و جان خود را از دست داده بود. بلافاصله پیکر او را پایین آوردیم ولی دیگر نفس نمی‌کشید. زمانی که امدادگران اورژانس مرگ او را تایید کردند دیگر همه ما سیاه پوش شدیم. این درحالی است که من به شدت دچار عذاب وجدان شده‌ام که ای کاش قبل از آن که به حرف‌های برادرم توجه کنم او را نزد روان پزشک می‌بردم...

گزارش روزنامه خراسان حاکی است: به دستور سرگرد امیررضا فعال (رئیس کلانتری معراج مشهد) اقدامات قانونی در این باره آغاز شد و با حضور قاضی محمود عارفی‌راد (قاضی ویژه قتل عمد در محل وقوع حادثه) تحقیقات قضایی برای ریشه‌یابی ماجرای خودکشی این جوان ۲۲ ساله ادامه یافت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی



اختصاصی خراسان

سروان اکبری (رئیس دایره تجسس کلانتری سیدی) موفق شدند این سارق حرفه‌ای را در منطقه‌ای از شهرک شهید رجایی دستگیر و به کلانتری هدایت کنند. این متهم ۱۸ ساله که مدعی بود دیگر دور خلافت‌کاری را خط کشیده است، وقتی در برابر شواهد

و اسناد انکارناپذیر قرار گرفت به ناچار

لب به اعتراف‌گشود و گفت: اموال سرقتی را در یکی از پاتوق‌های استعمال مواد مخدر و از شخصی به نام «م-س» گرفتم و آن‌ها را در خانه مادر بزرگم پنهان کرده‌ام. دقایقی بعد افسران تجسس عازم منزل مادر بزرگ این سارق جوان شدند و با هماهنگی مقام قضایی به بازرسی پرداختند. بالاخره برق‌طلاها در لانه مرغ نمایان شد و کیف حاوی مقداری طلا و زیورات درحالی‌از درون لانه مرغ کشف شد که بخشی از طلاها از کیف بیرون ریخته بود.

در ادامه بازرسی‌ها نیز اموال سرقتی دیگر شاک‌ی شامل سماور زغالی طلایی، لپ‌تاپ، مودم، قوری و... از پشت تابلوی بزرگ تبلیغاتی مغازه‌ای بیرون کشیده شد که بخشی از آن‌روی دیوار منزل مادر بزرگ‌وی قرار گرفته بود. گزارش خراسان حاکی است: با دستگیری دو متهم دیگر که در این پرونده نقش داشتند

ماجرای فیلمی که پرونده دزدی از منازل را به سرقت از خودروها گره زد

برق طلا در لانه مرغ!



اطلاهای کشف شده از لانه مرغ

حوزه کلانتری سیدی دستگیر شده بود اما از مدتی قبل خبری از او نبود! با به دست آمدن این سرخ، مأموران انتظامی با مادر این جوان کریستالی، تماس گرفتند و از او درباره «حمید» پرسیدند اما مادر وی اشک‌ریزان گفت: باز هم حریفش نشدم! این بار دست و پاهایش را با طناب بسته بودم تا ترک‌کنند و دنبال خلافت‌کاری نرود! ولی او طناب‌ها را برید و از چند روز قبل دوباره از خانه فرار کرد!

گزارش روزنامه خراسان حاکی است: افسران دایره تجسس که پاتوق‌های محل حضور این سارق حرفه‌ای را می‌شناختند بلافاصله عملیات دستگیری وی را با هماهنگی قضایی در دستور کار قرار دادند. به همین دلیل، گروهی ویژه از نیروهای انتظامی به سرپرستی

در پی اعلام این گزارش، تحقیقات پلیسی با صدور دستوری از سوی سرهنگ زنگنه (رئیس کلانتری سیدی) برای ریشه‌یابی سرقت مذکور آغاز شد. به همین دلیل گروهی از افسران کارآزموده دایره تجسس وارد عمل شدند و با بازدید میدانی از محل، رصدهای اطلاعاتی را درحالی‌ادامه دادند که مال باخته به شوهر

خواهرش مشکوک بود. طولی نکشید که «م-س» (شوهر خواهر مال باخته) زیر چتر اطلاعاتی قرار گرفت و بررسی‌های نامحسوس وارد مرحله جدیدی شد. در همین حال بود که درذنی‌های اطلاعاتی به یکی از سارقان سابقه‌دار و حرفه‌ای رسید چرا که مال باخته در تماس تلفنی با افسران دایره تجسس مدعی شد: «برادرم در روز جمعه گذشته، جوانی را هنگام خروج از منزل شوهر خواهرم

مشاهده کرده است که سماور زغالی طلایی رنگ سرقتی را در دست داشت.» بنابر این گزارش، مشخصات ارائه شده از طرف شاک‌ی، نیروهای تجسس را به سوی جوان ۱۸ ساله معتادی به نام «حمید-ب» سوق داد. او همان سارق حرفه‌ای بود که بارها هنگام سرقت در

سید خلیل سجادپور - دزد سابقه‌داری که طلاهای سرقتی را در لانه مرغ پنهان کرده بود، درحالی‌با تلاش نیروهای کلانتری سیدی مشهد دستگیر شد که تصویر او در یک فیلم دوربین مدار بسته، راز سرقت از خودروها را نیز فاش کرد.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، چند روز قبل زن جوانی در تماس با پلیس ۱۱۰، از دستبرد سارقان به منزل مسکونی اش خبر داد و گفت: برای مدت کوتاهی منزل را ترک کردم اما وقتی ساعتی بعد به خانه بازگشتم با صحنه عجیبی روبه‌رو شدم. سارق یا سارقان با شکستن قفل وارد منزل شده همه طلاها (حدود ۹۰ گرم) به همراه ۴۳ میلیون تومان دلار و یورو و یک دستگاه تیلیت را به سرقت برده‌اند.



بخشی از لوازم سرقتی کشف شده

آخرین خبر از قتل زن تهرانی با چکش

چکش و چوب از ناحیه سر قرار گرفته بود.

از طرف دیگر بررسی‌ها نشان می‌داد، مقتول به دلایل اختلافات زناشویی توسط همسرش به طرز بی‌رحمانه‌ای کشته شده و عامل این جنایت پس از ارتکاب قتل پا به فرار گذاشته است؛ تحقیقات توسط تیم جنایی ادامه داشت تا این که قاتل توسط مأموران کلانتری ۱۵۱ یافت‌آباد هنگامی که از این محله خارج نشده بود، دستگیر شد.

متهم پس از انتقال به دایره ویژه قتل پلیس آگاهی پایتخت در تحقیقات اولیه به قتل همسرش به خاطر مسائل زناشویی اعتراف کرده است. با دستور ساسان غلامی؛ بازپرس ویژه قتل شعبه سوم دادسرای امور جنایی، جسد مقتول برای معاینات دقیق‌تر به پزشکی قانونی منتقل شد و متهم برای روشن شدن زوایای پنهان پرونده در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

یک زن جوان توسط همسرش در محله یافت‌آباد به قتل رسید.

به گزارش تسنیم، صبح دیروز چهارشنبه دوم آذرماه، اهالی خیابانی در محله یافت‌آباد صدای درگیری خانوادگی را در یک خانه به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ گزارش کردند که با اعلام این خبر، مأموران کلانتری ۱۵۱ یافت‌آباد راهی محل حادثه شدند و به محض ورود به خانه با جسد خون‌آلود زن جوانی مواجه شدند که به طرز وحشتناکی کشته شده بود!

خیلی زود ساسان غلامی؛ بازپرس ویژه قتل شعبه سوم دادسرای امور جنایی و تیمی زبده از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی، پای در صحنه جنایت گذاشتند و تحقیقات ابتدایی را آغاز کردند. تیم جنایی با جسد زن جوانی مواجه شدند که یک طناب مشکی رنگ روی گردنش بود و هدف ضربات مهلک

دستبند قانون بر دستان عاملان قتل‌های خیابانی بم

موهبتی است که خداوند در اختیار او قرار داده از این رو آسیب به آن یا گرفتن آن در قرآن و احادیث مذمت و نکوهش شده است، چرا که یک لحظه غفلت و ناتوانی در کنترل رفتار در لحظات خشم و عصبانیت، یک عمر پشیمانی را به بار می‌آورد.

وی اظهار کرد: در همین زمینه باید گفت ارائه آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی نظیر کنترل خشم، افزایش اعتماد به نفس، سعه صدر و قدرت حل مسئله و تصمیم‌گیری، توسط کارشناسان انتظامی و اجتماعی در کاهش این مولفه و دیگر جرایم و آسیب‌ها نقش داشته و بسیار مورد تأکید است که در این باره توصیه می‌شود با دوراندیشی و سعه صدر با مشکلات و اختلافات روبه‌رو شویم و مسائل را به روش‌های مسالمت‌آمیز و از طریق مجاری قانونی حل و فصل کنیم تا هیچ‌گاه شاهد فقدان عضوی از جامعه و داغدار شدن خانواده‌ای به سبب مسائل ناخواسته ناشی از هر نوع تنش و درگیری نباشیم.

توکلی - عوامل قتل‌های بم که در دوزخ خیابانی دونفر را به قتل رسانده بودند به چنگ پلیس افتادند.

به گزارش خراسان، فرمانده انتظامی بم با اشاره به دستگیری عاملان قتل‌های رخ داده در دوزخ خیابانی اخیر این شهرستان، بر خویشتن‌داری و کنترل خشم تأکید کرد. سرهنگ یوسف سلیمانی در این باره توضیح داد: در نزاع و درگیری صورت گرفته در دو نقطه از شهرستان در یک ماه اخیر که منجر به ضربه به سرو به کمارفتن دونفر شد، این افراد با وجود تلاش‌های صورت گرفته در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان، جان باختند.

وی با توجه به دستگیری عوامل هر دوزخ و درگیری منجر به قتل ادامه داد: متأسفانه دعوای ساده و خیابانی و ناتوانی در کنترل خشم در این حوادث باعث داغدار شدن چندین خانواده شد.

این مسئول انتظامی در بررسی شرایط ایجاد این حوادث جبران‌ناپذیر تصریح کرد: جان هر انسان، بزرگ‌ترین

حکم قصاص برای زن معتادی که باعث مرگ پسر معلول شد!

که به مواد مخدر اعتیاد دارم. یک روز برای خرید مواد به میدان شوش رفته بودم که شاهرخ را دیدم. سر صحبت را با او باز کردم و بعد به خاطر این که پول مواد نداشتم تصمیم گرفتم با ترفندی وی را به باغ ببرم تا بتوانم گوشی و سیمکارتش را سرقت کنم و با پول آن مواد تهیه کنم. وقتی به باغ رسیدیم شاهرخ را در اتاقک زندانی کردم و گوشی و سیمکارتش را دزدیدم، بعد هم به دنبال مواد رفتم. ولی فکر نمی‌کردم این کارم باعث مرگ او شود.

پس از روشن شدن ماجرا، مادر شاهرخ با ثبت شکایتی خواستار قصاص زن معتاد شد و با تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست، پرونده برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا محاکمه شود.

این که امروز وقتی وارد باغ شدم بوی تعفن شدیدی از آرم داد. وقتی به دنبال منشأ بوی رفته با جسد جوان معلولی مواجه شدم که ظاهر داخل اتاقک محبوس شده بود و بعد هم موضوع را با پلیس در میان گذاشتم. پزشکی قانونی هم در گزارشی اعلام کرد: «مرگ شاهرخ بر اثر گرسنگی و تشنگی بوده و چند روزی از فوت او گذشته است.»

با افشای این ماجرا، مأموران ردیابی‌نسرین را در دستور کارشان قرار دادند و در نهایت با ردیابی تلفن همراه شاهرخ توانستند او را شناسایی و دستگیر کنند. نسرین پس از بازداشت در ابتدا قصد داشت تا خودش را بی‌اطلاع از ماجرا نشان دهد اما وقتی در برابر مستندات قرار گرفت مجبور به اعتراف شد و گفت: چند سالی است

می‌ترسم برایش اتفاقی افتاده باشد. پس از ثبت شکایت زن میان سال، مأموران پلیس تحقیقات‌شان را برای یافتن ردی از شاهرخ آغاز کردند. درحالی‌که مأموران به دنبال سر نخ‌ی از این فرد معلول بودند، مردی در تماس با پلیس بیان کرد که جسد مرد معلولی در باغش واقع در یکی از روستاهای شهری افتاده است.

با این گزارش، مأموران به محل اعلام شده اعزام شدند و مشخص شد جسد متعلق به شاهرخ است و با دستور قضایی جسد به پزشکی قانونی منتقل شد. صاحب باغ در توضیح ماجرا گفت: در باغ من اتاقکی وجود دارد که چند ماه قبل، آن را به زن جوانی به نام نسرین دادم تا بی‌سرپناه نباشد. مدتی بود که به باغم سر نزده بودم تا

زن معتادی که متهم است با ربودن و حبس مردی معلول در یک اتاقک باعث مرگ او شده، به زودی در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شود.

به گزارش روزنامه ایران، رسیدگی به این پرونده از دی ماه سال گذشته با گزارش زن میان سالی که مدعی بود پسر ۳۰ ساله اش به نام شاهرخ ناپدید شده، آغاز شد.

وی در توضیح ماجرا به مأموران گفت: پسر م شاهرخ از زمان تولد دوپا نداشت. او در این سال‌ها برای کمک مالی به من در حوالی خیابانی در جنوب شهر دست فروشی می‌کرد. حدود یک ماه قبل پسر م از خانه بیرون رفت و دیگر برنگشت. هر جا که فکرش را می‌کردم به دنبالش گشتم اما او را پیدا نکردم، تلفن همراهش هم از همان روزی که ناپدید شد خاموش شده. خیلی نگران هستم و

صفحه آرایی

واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان
سفارش می‌پذیرد



روزنامه مجله ویژه نامه کتاب اینفوگرافیک گرید لوگو

۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰ layout@khorasannews.com

آتش‌سوزی در خیابان قلمستان و عملیات نجات ۱۵ گرفتار در آتش

کامل شعله‌ور شده و آتش در حال سرایت به طبقه همکف بود و دود بسیار غلیظی طبقات بالایی را نیز فرا گرفته بود. بر همین اساس آتش‌نشانان با اتخاذ تدابیر عملیاتی همزمان با خاموش کردن آتش، افراد محبوس در ساختمان را که ۱۵ نفر بودند از محل خارج کردند.

وی ادامه داد: با عملیات به موقع آتش‌نشانان از سرایت آتش به طبقات بالا جلوگیری شد و آتش نشانان پس از لکه‌گیری حریق و تخلیه دود، محل حادثه را به مقصد ایستگاه خود ترک کردند.

وی ادامه داد: آتش‌نشانان با حضور در محل مشاهده کردند که حریق در طبقه زیرزمین یک ساختمان چهار طبقه رخ داده است. ملکی افزود: طبقه همکف و زیرزمین این ساختمان که هر کدام ۲۰۰ متر وسعت داشتند به عنوان انبار استفاده می‌شد. طبقه همکف انبار موتور و خودروهای شارژی کودکان و طبقه زیرزمین انبار لوازم‌پدکی و باتری‌های این لوازم بود. سخنگوی آتش‌نشانی تهران افزود: زمانی که آتش نشانان به محل رسیدند زیرزمین به طور

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهر تهران از نجات ۱۵ نفر از حریق یک انبار در خیابان قلمستان خبر داد. به گزارش ایسنا، سید جلال ملکی در این باره اظهار کرد: ساعت ۱۶:۵۰ دیروز یک مورد آتش‌سوزی در یک انبار واقع در خیابان قلمستان میدان رازی به سامانه ۱۲۵ سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهر تهران اطلاع داده شد که بلافاصله پس از آن آتش نشانان سه ایستگاه به محل اعزام شدند.